

هشدار ملی!**ارزیابی دومین دوره انتخابات شوراها**

انتخابات دوره دوم شوراهای شهر و روستا در نهم اسفند ماه برگزار شد. نحوه رسیدگی به صلاحیت نامزدها، برنامه تبلیغات احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف، مشارکت بسیار کم‌رنگ مردم در شهرها به ویژه کلان‌شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز نتایج منتشر شده انتخابات و پیامدهای آن نقطه عطفی در تحولات اجتماعی سال‌های پس از پیروزی انقلاب محسوب می‌شود. اگر در دوم خرداد سال ۷۶، دور از انتظار همگان، مردم با حضور گسترده خود در انتخابات ریاست جمهوری به عملکرد حاکمان قبلی «نه» گفتند و برنامه توسعه سیاسی و اصلاحات آقای خاتمی را برای تحقق مطالبات تاریخی ملت ایران مورد تایید قرار دادند، در انتخابات ۹ اسفند ماه ۸۱، مردم ایران، به ویژه در شهرهای بزرگ، با عدم مشارکت موثر خود در انتخابات شوراها به حاکمان و به احزاب سیاسی واکنش شدید و دور از انتظار نشان دادند که می‌توان آن را یک فاجعه ملی توصیف کرد. در حالی که برخی از مسئولان و صدا و سیما در باره حضور گسترده مردم در انتخابات سخن راندند. بنابراین، جا دارد که ابعاد مختلف این رویداد مهم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و پیامدهای آن ارزیابی شود.

۱- آمار انتخابات

بنابر گزارش‌های رسمی مقامات مسئول در وزارت کشور، در کل کشور حداکثر ۴۹ درصد از واجدان شرایط در این انتخابات شرکت کردند. در روستاها و شهرهای کوچک، به خاطر رقابت‌های محلی و بعضاً قومی و نیز رضایت نسبی از عملکرد شوراها، میزان مشارکت مردم خیلی بیشتر از شهرهای بزرگ بوده است.

در تهران، تنها ۱۰/۲ درصد از واجدان شرایط در انتخابات شرکت کردند و این پایین‌ترین نسبت، نه تنها در رده‌بندی انتخابات تمام حوزه‌ها در این دوره، بلکه در تمام دوره‌های انتخاباتی گذشته می‌باشد. نفر اول در تهران ۱۹۲۷۱۶ رای و نفر پانزدهم ۸۵۸۳۹ رای داشته‌اند. میانگین آرای ۱۵ نفر فهرست تهران تنها ۱۰۷۷۲۰ رای بوده است. بدین ترتیب، آرای نفر اول ۳۴ درصد، آرای نفر پانزدهم ۱۵ درصد و میانگین آرای ۱۵ نفر کمتر از ۲۰ درصد کل آرای اعلام شده است. و اگر این آرا را نسبت به تعداد کل دارندگان حق رای در تهران بسنجیم، نفر اول با ۴ درصد، نفر آخر با ۱/۸ درصد و کل ۱۵ نفر به طور میانگین تنها با ۲/۳ درصد کل آرای مردم واجد شرایط انتخاب شده‌اند.

میزان مشارکت مردم در سایر شهرهای بزرگ نسبت به تعداد واجدان شرایط در آن شهرها به ترتیب،

اصفهان ۱۲/۳ درصد، شیراز ۱۸ درصد، یزد ۲۲/۵ درصد، مشهد ۲۴ درصد، تبریز ۲۵ درصد، اهواز ۳۰ درصد، کرمان و اراک ۳۲ درصد، بوشهر و همدان و قزوین ۳۴ درصد، رشت و سنندج ۳۵ درصد، اردبیل ۳۶ درصد، زنجان ۴۰ درصد، ساری ۴۲ درصد و زاهدان ۴۶ درصد بوده است. (آفتاب یزد ۸۱/۱۲/۱۵)

در این شهرها، آرای راه‌یافتگان به شوراها بین دو تا کمتر از ده درصد تعداد واجدان حق رای بوده است. آرای نفر اول منتخبان در شهرهای مذهبی مشهد و قم به ترتیب ۹۹ هزار و ۴۱ هزار بوده است که جای تامل و بررسی عمیق دارد.

۲- تحلیل آمار انتخابات

جدول منتشر شده توسط فرمانداری تهران از نتیجه انتخابات حاکی از آن است که ۱۵ نفر صدر فهرست انتخاب شدگان (به جز یک نفر) نامزدهای گروهی بدون سابقه و شناسنامه به نام «آبادگران» می‌باشند. چنین آرایش و ترتیب آرا در مورد نامزدهای هیچ یک از گروه‌های سیاسی دیگر شرکت کننده در انتخابات، نه در این دوره و نه در دوره‌های گذشته، دیده نمی‌شود. آرای کاندیداهای گروه‌های دیگر، از جمله جبهه مشارکت اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، حزب همبستگی اسلامی و حتی ستاد یاران «بازرگان - طالقانی، سحابی» (نهضت آزادی ایران) بطور طبیعی پراکنده است و نظم و سامان خاصی را نشان نمی‌دهد.

این گونه آرایش و ترتیب در آرای گزارش شده، نشانگر رفتار منسجم رای‌دهندگان به فهرست این گروه است و این سوال اساسی را به ذهن متبادر می‌سازد که آیا گروه آبادگران یک حزب یا سازمان سیاسی با تشکیلات گسترده و انضباط حزبی درجه بالا است، که اعضای آن، از دستور تشکیلاتی پیروی کرده و یکجا به لیست گروه خود رای داده‌اند و همچنین به علت آن که سایر احزاب و گروه‌ها انضباط و یا پایگاه تشکیلاتی مشابهی را ندارند و آرای آنها متشتت و متفرق بوده است، این گروه برنده شده است؟ اگر میانگین آرای همه این ۱۵ نفر یا رای نفر آخر ملاک قدرت سیاسی آنها فرض شود، این گروه می‌بایستی بین ۸۵ تا ۱۰۰ هزار عضو منضبط سیاسی داشته باشد که بر حسب دستور تشکیلاتی در انتخابات شرکت کرده رای یکپارچه خود را به صندوق‌های رای‌گیری ریخته‌اند.

اما همگان می‌دانند که چنین نیست. مجموعه آبادگران یک سازمان یا حزب و حتی یک گروه ائتلافی سیاسی نیست. بنابراین، پرسش اساسی این است که این آرای یکپارچه متعلق به کدام گروه یا نهاد منسجم می‌باشد که هم برای این گروه تبلیغ کرده و هم آرای خود را به صندوق‌ها ریخته است؟ این سوالی است که احتمالاً پاسخ آن برای آگاهان سیاسی روشن است. اما شاید بهتر آن باشد که جناح راست و محافظه‌کاران که پیروزی این گروه را به حساب موفقیت خود می‌گذارند، به این پرسش مردم پاسخ دهند و مشخص کنند که این تشکیلات منسجم پنهان به کجا مرتبط است.

منابع و تحلیل‌گران این جریان مدعی هستند که توفیق اصول‌گرایان و رویکرد مردم به آنان نشان می‌دهد که نگاه‌ها به سوی معیارهای ارزشی و اصول‌گرایی متوجه شده است. اما توضیح نمی‌دهند که سابقه اکثریت این افراد تقریباً ناشناس (به جز دو نفر) چیست و مردم با چه شناختی به آنها رای داده‌اند. آنان پیش از برگزاری انتخابات ادعا کردند که بسیاری از متدینین حاضر نیستند در انتخابات شرکت

کنند، اما پس از اعلام نتایج شمارش آرا، آن را رای مردم به متدینین قلمداد کردند! و سرانجام روشن نشد که آیا متدینین رای داده‌اند یا خیر و یا غیرمتدینین به این گروه متدین رای داده‌اند؟ در تحلیل دیگری، ادعا شد که، عدم مشارکت متدینین در انتخابات و کاهش آرای مآخوذه برای آن بوده است که متدینین مشاهده کردند که «منحرفین از انقلاب!» تایید صلاحیت شده‌اند!! البته تحلیل‌های مشعشعانه و شگفتی‌آور دیگری نیز از رسانه‌های عمومی منتشر شده است که داوری درباره آنها را به مردم آگاه و هوشیار واگذار می‌کنیم. اکنون روشن شده است که جناح محافظه‌کار از قبل برای پیروزی در انتخابات آگاهانه و عمدتاً در راستای دلسرد کردن مردم و به انفعال کشاندن آنان عمل کرده است. نگاهی به آمارهای انتخاباتی گذشته نشان می‌دهد که محافظه‌کاران در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار رای در تهران دارند. اگر به همان صورتی که آمارگیری‌های قبل از انتخابات نشان می‌داد، ۲۵ تا ۳۵ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت می‌کردند، جریان راست هرگز نمی‌توانست موفق شود و هیچ یک از کاندیداهای آن پیروز نمی‌شد. بنابراین، سخنگویان خط راست، از جمله خطیبان جمعه برخلاف دوره‌های گذشته، نه تنها مردم را به شرکت در انتخابات دعوت و تشویق نکردند و شرکت در انتخابات را «تکلیف شرعی» ندانستند، بلکه تعمداً با رفتارها و سخنانشان مردم را به خودداری از رای دادن دعوت کردند.

۳- علل کاهش مشارکت مردم

نهضت آزادی ایران انتخابات دومین دوره شوراها را یک انتخابات بی‌سابقه در ۲۰ سال گذشته می‌داند، نه فقط از جهت کاهش چشمگیر مشارکت مردم، بلکه از این جهت که به جز چند مورد در شهرستان‌ها، هیچ نامزدی به دلایل سیاسی ردصلاحیت نشد. عملکرد هیأت‌های اجرایی و نظارت در این مورد علی‌الاصول قانونمدارانه بوده است و جای تشکر و قدردانی دارد.

اما آزادی انتخابات، به مفهوم وسیع کلمه، پیش‌نیازهایی دارد که بدون تحقق آنها معنا و مفهوم و یا محتوا پیدا نمی‌کند. یک پیش‌شرط اصلی برای انتخابات آزاد تامین و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است.

شرط اعمال کامل و درست حق حاکمیت ملت (مصرح در فصل پنجم قانون اساسی) تامین و تحقق کامل حقوقی است که در اصول فصل سوم قانون اساسی تصریح شده است. در شرایط نبود آزادی‌های سیاسی، اعمال فشار بر روزنامه‌ها، بازداشت‌های پی در پی دانشجویان و وکلای مدافع متهمان سیاسی و در مجموع، فقدان امنیت فعالیت‌های سیاسی، آزادی فعالیت انتخاباتی در مدت ۷ روز کفایت نمی‌کند. در یک جامعه بسته سیاسی که روزنامه‌ها به شدت کنترل می‌شوند و احزاب و گروه‌های مستقل بیرون از حاکمیت امکان فعالیت بهینه سیاسی را ندارند، برگزاری انتخابات سالم، آزاد و مطلوب امکان ندارد. با وجود این، نمی‌توان منکر شد که انتخابات دومین دوره شوراها شهر و روستا از جهاتی آزادترین انتخابات بعد از سال ۶۰ بوده است.

کاهش چشمگیر شرکت کنندگان باید یک هشدار و اعلام خطر جدی تلقی گردد. قهر و بی‌اعتنایی مردم نسبت به انتخابات شوراها صرفاً به حوزه‌هایی که عملکرد شوراها در دوره اول در آنها ناموفق بوده است محدود و منحصر نیست، بلکه یک پدیده سیاسی-اجتماعی عام‌تری است. نتایج انتخابات اخیر نشانگر آن

است که انسدادی که همه نیروها و نهادهای سیاسی و حکومتی، احزاب و گروه‌ها با آن روبرو هستند، عمیق‌تر و جدی‌تر از آن است که به راحتی بتوان از آن گذشت. هیچ گروهی، اعم از اصلاح‌طلبان، درون و بیرون از حاکمیت یا محافظه‌کاران، به خصوص محافظه‌کاران خردگرا، نمی‌تواند و نباید از این امتناع گسترده مردم خوشحال باشد. حتی گروهی که خود را پیروز و برنده این انتخابات می‌داند و به برخی شوراها دست یافته است، از این قاعده مستثنا نیست. این انتخابات برنده‌ای ندارد، همه شکست خورده‌اند. تنها یک مجموعه است که بیش از دیگران خوشحالی بی‌حد و حصر خود را پنهان نساخته و این شکست را جشن گرفته است و آن مجموعه نیروهای برانداز بیرون مرزها و عناصر نفوذی آنان در داخل کشور می‌باشد.

این شکست محصول توطئه قدرت‌های خارجی نیست بلکه نتیجه و دستاورد عملکرد حاکمان و همه نیروهای داخلی، به خصوص نیروهای درون حاکمیت، اعم از اصلاح‌طلبان طرفدار مردم‌سالاری یا محافظه‌کاران مخالف مردم‌سالاری، است.

برخی از نیروهای سیاسی هم اگر چه بیرون از حاکمیت قرار دارند، اما همانند برخی از محافظه‌کاران خردگرای به شدت تمامت‌خواه هستند و همه چیز را زود و با زور می‌خواهند. این نیروها نیز به دلیل دارا نبودن یک برنامه واقع‌بینانه سیاسی، هر حرکتی را که تدریجی و گام به گام به سوی نهادینه شدن مشارکت مردمی در چارچوب شرایط و وضعیت موجود باشد «مشروعیت دادن به نظام» دانسته، آن را علی‌الاطلاق نفی می‌کنند. متأسفانه، در انتخابات اخیر این شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی مطلق‌گرایی خود را با شیوه‌های برچسب‌زنی همراه کرده، احزابی را که در انتخابات شرکت کردند «خواهان ورود به درون حاکمیت» دانستند. این گروه‌ها با موضع‌گیری‌های مذبذبانه خود بر طبل انفعال و ناامیدی مردم کوبیدند، بدون آن که هیچ برنامه راهبردی معین و شفاف‌ی را ارائه کنند.

علاوه بر عملکردهای حاکمان و محافظه‌کاران و تبلیغات گسترده رسانه‌های گروه‌های برانداز خارج از کشور که در کاهش مشارکت مردم در دومین دوره انتخابات شوراها آثار تعیین‌کننده داشته‌اند، به نظر می‌رسد که عملکرد و رفتار احزاب و گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب در نحوه همکاری و تبلیغات انتخاباتی نیز عامل موثر دیگری در کاهش مشارکت مردم بوده است.

براساس نتایج نظرسنجی‌های انجام یافته در شهر تهران تا پیش از آغاز تبلیغات، پیش‌بینی می‌شد که بین ۲۰ تا ۲۶ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت کنند. (همشهری، ۸۱/۱۲/۳). کاهش مشارکت مردم در شهر تهران تا حد ۱۰/۲ درصد، پس از دوره تبلیغات انتخاباتی، می‌تواند ناشی از تأثیرات رفتار گروه‌های سیاسی در این دوره کوتاه باشد. عدم توافق احزاب و گروه‌های سیاسی جبهه دوم خرداد و انعکاس تنش‌های درونی آنها در رسانه‌ها و نهایتاً رایج چند لیست مستقل موجب کاهش اعتماد مردم نسبت به احزاب و تشکل‌های اصلاح‌طلب بوده است. به علاوه، جناحی از احزاب اصلاح‌طلب، علاوه بر لیست مستقل خود، بیش از ده لیست دیگر در این فاصله رایج کرد که در همه آنها افراد خاصی به طور مشترک حضور داشتند. گروه‌های متحد جبهه دوم خرداد، ائتلاف سبز، ائتلاف سه نسل دانشگاهی، ائتلاف بزرگ سبزهای تهران، کاندیداهای صلح سبز، اول مردم (۶+۹)، کارشناسان و دانشوران امور شهری، حزب جوانان ایران اسلامی، حزب اسلامی کار، ائتلاف بزرگ جبهه اصلاح‌طلبان و ائتلاف اندیشه پاک، نمونه‌هایی

از عناوین این لیست‌ها است. جا دارد که به این فهرست عناوین سایر لیست‌ها اضافه شود: ادوار تحکیم وحدت، ائتلاف ملی آزادی‌خواهان (ائتلاف معلمان ایران - حزب پاک)، ائتلاف بزرگ متخصصان، ائتلاف فراکسیون نمایندگان کرد مجلس، سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور، ائتلاف بزرگ جمعی از سردفتران اسناد رسمی، ائتلاف حقوقدانان، اعضای سابق شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت و... جا دارد که در اینجا به دو لیست جداگانه دیگر یعنی لیست نهضت آزادی ایران با عنوان ستاد یاران «بازرگان- طالقانی- سحابی» و نامزدهای مورد حمایت آقای مهندس سحابی - که در روزهای پایانی هفته تبلیغات، پس از تجدیدنظر در مورد عدم ارائه لیست منتشر شد- و این که این مجموعه نیز عملاً نتوانست مانند انتخابات مجلس ششم به صورت ائتلافی لیست مشترکی ارائه کند اشاره‌ای داشته باشیم.

تنوع لیست‌های اصلاح‌طلبان - که بعضی آن را فرصت دانستند، نه تهدید! - تبلیغات چشمگیر و گسترده پاره‌ای از افراد و گروه‌های سیاسی و انعکاس هزینه‌های سنگین این تبلیغات، به طور طبیعی این سوال را در وجدان عمومی جامعه متبلور می‌سازد که منابع مالی این تبلیغات سنگین و گسترده چیست و انگیزه افراد و گروه‌های سیاسی برای ورود به شورای شهر، با توجه به تجربه اولین دوره شورای شهر تهران چه بوده است؟ شواهد و قراین نشان می‌دهد که جریانی در راستای برنامه سرد کردن فضای انتخابات در درون احزاب و گروه‌های جبهه دوم خرداد نیز عمل کرده و زمینه دلسردی و مایوس کردن بیشتر مردم را فراهم ساخته است. شایسته است که این موضوع در درون احزاب و گروه‌های دوم خردادی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۴- پیامدهای احتمالی انتخابات

جریان راست بر تمامی امکانات گسترده برخی از شهرداری‌ها سلطه یافته و شهردار منتخب آنان در تهران در جلسات هیأت دولت شرکت خواهد کرد؛ پرتیراژترین روزنامه‌ها را در اختیار خواهد گرفت؛ شهرداران تمام مناطق از میان وابستگان به گروه‌های راست منصوب خواهند شد. آنان همچنین بر کلیه فرهنگسراهای متعلق به شهرداری تسلط پیدا خواهند کرد و این‌ها دستاوردهای کمی برای جریان راست که خود را از هر سو مطرود افکار عمومی می‌بیند نیست.

آیا جریان راست توان و قابلیت استفاده از این امکانات را برای ترمیم چهره سیاسی خود دارد؟ براساس تجربه گذشته، پاسخ منفی است، جناح راست در گذشته امکانات گسترده‌ای داشته است، اما آیا توانسته است در راستای منافع ملی از آنها استفاده بهینه نماید؟

نهضت آزادی ایران آرزو می‌کند که انتخاب‌شدگان شورای شهر بتوانند در عرضه کردن خدمات به مردم و کاهش مشکلات کلان‌شهر تهران و سایر شهرهای بزرگ موفق شوند و اگر چنین شود، آن را به فال نیک خواهد گرفت و بدون کمترین تردیدی، توفیق آنان را در خدمت به مردم تبریک گفت. اما متأسفانه ما نمی‌توانیم در این باره خیلی خوش‌بین باشیم. زیرا در کارنامه پاره‌ای از انتخاب‌شدگان که پیشینه آنان مشخص است، یک مدیریت موفق، حتی در سطوحی به مراتب پایین‌تر و ساده‌تر از اداره یک شهر بزرگ با پیچیدگی‌های متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود ندارد. بنابراین با توجه به مواضع اعلام شده منتخبان، نه تنها تردیدهای جدی در موفقیت این گروه در ارائه خدمات مورد نیاز مردم

وجود دارد، بلکه پیش‌بینی وخیم‌تر شدن مشکلات کلان‌شهرها منتفی و دور از ذهن نیست.

۵- جمع‌بندی

نهضت آزادی ایران، همان‌طور که بارها در بیانیه‌های تحلیلی خود اعلام کرده است، حضور و مشارکت در انتخابات شوراهای و آرایه لیست نامزدهای واجد شرایط را ادای وظیفه در راستای منافع و مصالح ملی و در راستای تقویت فرایند مردم‌سالاری می‌داند.

نهضت آزادی ایران در شرایطی در این انتخابات شرکت کرد که هیچ روزنامه یا نشریه مستقلی نداشت. روزنامه‌ها، به دلیل احساس ناامنی، از درج بیانیه‌ها و آگهی‌های نهضت بی‌مناک بودند. دفاتر نهضت آزادی ایران و حتی آپارتمان‌هایی که امکان استفاده از آنها برای فعالیت انتخاباتی وجود داشت، لاک و مهر (پلمپ) شدند. پرونده محاکمه سران و فعالان نهضت آزادی ایران همچنان باز است. بازجویی از دبیرکل نهضت و برخی دیگر از فعالان ادامه دارد. اعضای فعال به دادگاه فراخوانده شدند. شرکت نهضت در انتخابات و دعوت مردم به شرکت در این امر ملی، با وجود انتقادات شدید علاقه‌مندان به نهضت و پیش‌بینی دلسردی و بی‌تفاوتی مردم، در راستای استراتژی وفاق ملی و به منظور خروج کشور از انسدادهای کنونی، با رویکردی از درون نظام، بوده است.

سابقه و عملکرد نهضت آزادی ایران گواه بر این واقعیت است که نهضت همواره تلاش کرده است، هر آن‌چه را که در راستای مصالح و منافع ملی است، انجام دهد و از سرزنش، ملامت‌گران هم دلسرد یا سست نگردد. در زمانی که همه گروه‌ها و نیروهای سیاسی، از چپ و راست، گروگانگیری را تایید کردند و در هنگامی که جنگ تحمیلی پس از آزادی خرمشهر ادامه یافت، نهضت آزادی ایران با پذیرفتن و تن دادن به تمام خطرات و تهدیدها، با هر دو امر مخالفت کرد و بهای سنگین آن را به جان خرید. اکنون نیز، نهضت آماده قبول مسئولیت و پیامدهای مشارکت خود در انتخابات شوراهای می‌باشد.

به رغم تمام محدودیت‌های اعمال شده علیه نهضت آزادی ایران، هنگامی که هیأت‌های اجرایی و نظارت مرکزی صلاحیت کاندیداهای نهضت را تایید کردند، ناگهان بانگ «وا اسلاما» و «وا انقلابا» از گوشه و کنار برخاست و اعتراض‌ها از سوی، حامیان و سخنگویان آن‌جریانی که بارها سستی پایگاه مردمی خود را تجربه کرده است بالا گرفت. دو تن از نمایندگان مجلس و عضو هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات به عنوان اعتراض به تصویب صلاحیت نامزدهای نهضت آزادی استعفا کردند. رئیس هیأت مرکزی نظارت در پاسخ به این اعتراض اعلام کرد که وزارت اطلاعات در نامه خود استناد به نامه منتسب به رهبر فقید انقلاب نکرده است و قوه قضاییه هم پس از اتمام کارها به آن نامه استناد نموده است. هنگامی که آمارگیری‌ها و نظرسنجی‌ها نشان داد که در حدود ۲۵ تا ۳۵ درصد واجدان شرایط در انتخابات شرکت می‌کنند و احتمال برنده شدن کاندیداهای نهضت آزادی ایران وجود دارد، ابراز نگرانی‌ها شدت پیدا کرد. مقام رهبری در سفر استانی‌های سیستان و بلوچستان، در روز رای‌گیری فرمودند:

«برخی گفته‌اند که در تشخیص صلاحیت‌ها کوتاهی شده است... اگر افرادی نابجا و برخلاف مقررات به

انتخابات راه یافته باشند انتخاب آنها اعتبار ندارد ...»

رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات به این نگرانی و دغدغه واکنش نشان داد و قول داد که با انجام

تحقیقات دغدغه‌ها را مرتفع سازد، اما توضیح نداد که با چه ساز و کاری می‌خواهند دغدغه حضور فعالانه نهضت آزادی ایران در انتخابات و احتمال موفقیت لیست نهضت را برطرف سازند و کار را به رد اعتبارنامه منتخبان نکشند. اگر چه پیش از اعلام نتایج شمارش آرا به روشنی بیان نشد که چه کسانی مورد نظرند، پس از اعلام نتایج گفته شد: «چرا باید در انتخابات افرادی برخلاف نظر و مبنای امام(ره) وارد میدان شوند، که البته مردم جواب آنها را دادند و مشخص شد در میان مردم پایگاهی ندارند.»

بالاخره هم معلوم نشد که اگر دینداران در انتخابات شرکت نکرده بوده‌اند، کدام گروه از مردم به این کاندیداها جواب منفی داده‌اند؟ و یا اگر نهضت آزادی ایران پایگاهی میان مردم ندارد، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها برای چه بوده است؟

اما برنده این انتخابات چه گروهی است؟ دبیرکل فقید نهضت آزادی ایران، شادروان مهندس بازرگان، بارها گفته بود که مبارزه نهضت آزادی برای حجت است و نه جنگ قدرت. ما با شرکت در انتخابات با حاکمان، با نیروهای سیاسی و با مردم خوب و صبورمان اتمام حجت کرده‌ایم. آینده درستی این حجت را نشان خواهد داد.

آیا حاکمان، مردم و نیروهای سیاسی آماده درس گرفتن از تجربه انتخابات دومین دوره شوراها و به کار بستن آن برای خروج از انسداد کنونی هستند؟ امیدواریم که چنین باشد.

مردم با خودداری از حضور و مشارکت در انتخابات دلسردی و ناامیدی خود را از مجموعه حاکمان ابراز کردند. آیا این اعتراض، دلسردی و رویگردانی مردم از حاکمان است یا از نظام؟ برخی از مقامات طراز اول مملکت آن را اعتراض به عملکرد مسئولان می‌دانند و نه نسبت به نظام. اما مشکل اساسی این است که مسئولان طراز اول کشور خود را نه تنها معادل نظام، بلکه حتی معادل مقدسات دینی می‌دانند. بنابراین، هر نوع انتقاد و اعتراض و یا تلاش مردم برای تغییر حاکمان را حمل بر «براندازی مسالمت‌آمیز» کرده و با آنان با شیوه‌های سرکوب برخورد نموده‌اند. بنابراین، تا زمانی که حاکمان نپذیرند که معادل نظام نیستند و تغییر آنان تغییر نظام نبوده و براندازی محسوب نمی‌شود، قهر و رویگردانی مردم هم از حاکمان خواهد بود و هم از نظامی که حاکمان خود را معادل آن می‌دانند. از این رو، امتناع و انفعال مردم کاملاً قابل فهم و درک است.

اما مردم، با عدم مشارکت خود در انتخابات، بیش از هر کس و هر چیز به خودشان زیان وارد کرده‌اند و این نوعی خودزنی سیاسی محسوب می‌شود. زیرا عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات شوراها باعث توقف آن نگردید، بلکه عملاً به سود نیروهای راست تمامت‌خواه و کسانی که بر اساس مواضع اعلام شده خود اعتقاد به مدیریت شورایی و نهادینه شدن شوراها ندارند، تمام شد. مردم زمام کلان‌شهرها را به دست کسانی که به مدیریت آمرانه اعتقاد دارند، دادند. روندی که در دو دهه گذشته مانع نهادینه شدن نهاد شوراها و مشارکت مردم در اداره شهرها بوده است. حال مردم چه کسی را می‌خواهند سرزنش کنند؟! نهادینه شدن دموکراسی (مردم‌سالاری) فرایندی کند، پر هزینه و همراه با فراز و نشیب بسیار است. مردم نباید به علت عملکرد ناموفق یا منفی برخی از شوراها و یا اصلاح‌طلبان، اصل مشارکت را به زیر سوال ببرند. در تمام جامعه‌های مردم‌سالار، این نوسانات و فراز و نشیب‌ها طبیعی و عادی است. مهم این است که مردم نباید سرنوشتشان را به حال خود رها کنند تا مخالفان مردم‌سالاری به نام آرای مردم میدان یابند.

هشدار و توصیه

نهضت آزادی ایران در بیانیه‌های تحلیلی خود در ماه‌های اخیر، بارها مسئله انسداد همه نیروهای سیاسی و وضعیت تعادل ناپایدار در کشور را مورد اشاره قرار داده و از روی دلسوزی و مشفقانه اعلام خطر کرده است که اگر اقدامات موثری برای برون‌رفت از این انسداد صورت نگیرد، عوارض و پیامدهای سنگینی در انتظار ملک و ملت خواهد بود. انتخابات اخیر جدی بودن انسداد و ضرورت و فوریت اقدامات فراگیر برای برون‌رفت از آن را با راهکارهایی از درون نظام نشان داد.

حاکمان باید چشمشان را بر واقعیت‌ها بکشایند و پیش از آن که خیلی دیر شود، برای اصلاح وضعیت خطرناک کنونی، صادقانه در جهت جلب اعتماد عمومی گام‌های موثری بردارند. آنان می‌توانستند با استفاده از فرصت پدیده آمده پس از خرداد ۷۶، با هزینه کمی، با بهره‌گیری از پیوند ایجاد شده بین ملت و دولت تغییرات و تحولات بنیادین در وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور پدید آورند. اما اکنون، جلب اعتماد مردم، بسیار سخت‌تر و پرهزینه‌تر است. با وجود این، حفظ منافع ملت و مصالح کشور ایجاب می‌کند که این هزینه‌ها پرداخت شود.

احزاب و گروه‌های سیاسی نیز باید توجه کنند که اگر ضرورت وفاق ملی را نپذیرند و به الزامات آن تن ندهند، حوادث و شکست‌های آینده به مراتب سخت‌تر بوده و همانند انتخابات اخیر، هیچ کس برنده نخواهد بود. به ملت عزیزمان نیز صمیمانه و صادقانه هشدار می‌دهیم که قهر و بی‌تفاوتی چاره‌ساز نیست و ادامه این بی‌تفاوتی‌ها به بن‌بستی خواهد انجامید که تنها به سود گروه‌هایی که از سوی قدرت‌های بیگانه پشتیبانی و هدایت می‌شوند تمام خواهد شد و از این رو، به مردم آگاه و سرافرازمان اکیدا توصیه می‌کنیم که با وجود همه سختی‌ها و تلخی‌ها، با ایمان و استعانت از خداوند بزرگ، امیدشان را به راهبرد اصلاحات از دست ندهند و با ترک بی‌تفاوتی و دلسردی، به مبارزه و تلاش برای تامین حقوق اساسی ملت و تحقق مطالبات مردم و حفظ تمامیت و کیان کشور ادامه دهند. والعاقبة للمتقين

نهضت آزادی ایران